



## «جبران خسارات پناهندگان زیست محیطی در حقوق بین الملل»

مجتبی فراستی

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

### چکیده

یکی از مسائل چالش برانگیز در عرصه حقوق بین الملل نوین، بروز نوع جدیدی از پناهندگی است که بر اساس دلایلی مانند مخاطرات زیست محیطی و پیامدهای تغییرات اقلیمی، انسانها را برای ادامه حیات و یا تامین بهتر مولفه های رفاهی، مجبور به ترک سرزمین می کند. جابجایی جمعیتی از برجسته ترین علائم فقدان امنیت میباشد که هم سبب و هم نتیجه آن است و از مهمترین مخاطرات بشری است. نظام بین الملل پناهندگی امروزه به دلیل سرعت فزاینده تخریب محیط زیست و نیز تغییرات اقلیمی نیازمند ورود جدی در جهت پیشگیری و حمایت از آسیب دیدگان پناهندگی زیست محیطی است. هدف این پژوهش که با روش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی صورت گرفته تحلیل نحوه جبران خسارات پناهندگان زیست محیطی در حقوق بین الملل نوین است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که با وجود مشکلات و پیچیدگی های نظام شناسایی و حمایتی از پناهندگان زیست محیطی، نمی توان انتظار اتخاذ تدابیر و تمهیدات فوری و سهل الوصول را داشت. مقوله پناهندگی زیست محیطی هم در ریشه ها و عوامل و هم در پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم خود از پیچیدگی و خصیصه چندوجهی برخوردار است که به دور از منازعات و چالش های عمده سیاسی و اقتصادی جهان معاصر نمی توان به آن پرداخت. لذا باید یک آگاهی عمومی به نیاز به واکنشی جامع که از ریشه ها تا راه حل های پناهندگی زیست محیطی، حقوق متقابل پناهندگان زیست محیطی و کشورهای مبدأ و پناهنده پذیر و کشورهای ثالث و سازمان های بین المللی را دربر گیرد، تقویت شود. صرفا با حضور تمامی طرف های ذی نفع و ارزیابی کلیه ابعاد این مسئله می توان یک نظام حقوقی منسجم و موثر برای مواجهه با پدیده پناهندگی زیست محیطی را، پایه ریزی کرد.

**واژگان کلیدی:** پناهندگان زیست محیطی، تغییر اقلیم، جبران خسارات، امنیت بشری، حقوق محیط زیست.



## 1. مقدمه

مشکلات و بحران های محیط زیستی بلاشک اولین و مهمترین تاثیر خود را بر روی زندگی انسانها نشان می دهد. این تاثیر را از زوایا و جنبه های گوناگون می توان بررسی نمود. یکی از زوایای قابل بررسی در این زمینه، پدیداری مقوله پناهندگی زیست-محیطی است. تغییرات آب و هوایی و پیامدهای زیست محیطی دیگر، موجب مهاجرت های داخلی و خارجی ساکنین یک منطقه در ابعاد وسیع می گردد و آنان را تبدیل به پناهندگان زیست محیطی می نماید و منجر به بی ثباتی منطقه و بروز مشکلاتی برای خود آنان و گاه درگیری مسلحانه میان مهاجران و ساکنان بومی می گردد. همچنین سبب بروز تنش های عمیق و مشکلات عدیده ای برای مناطق و کشورهای پذیرنده شود و حتی ترکیب جمعیتی مناطق مختلف را تغییر دهد و موجبات نقض بسیاری از حقوق بشر را فراهم نماید. امروزه تغییرات آب و هوایی در کنار سایر عوامل مخرب محیطی انسان ساز نظیر جنگ، تخریب تدریجی محیط و توسعه بی رویه، مسئول پناهندگی میلیون ها نفر بر روی زمین است. در واقع مهاجرت به دلیل تغییرات آب و هوایی و مخاطرات زیست محیطی برای برخی، تنها گزینه واقع بینانه برای زنده ماندن می باشد و برای گروهی که از مناطق تحت تاثیر خشکسالی یا سیل مهاجرت می کنند ممکن است یک اقدام احتیاطی برای زنده ماندن محسوب گردد. این روند منجر به ظهور پدیده پناهندگی زیست محیطی شده است. به صورت شفاف تر این عبارت یک توصیفی است در رابطه با افراد یا گروهی از افراد که به دلیل شرایط وخیم ناشی از تغییرات آب و هوایی از مرزهای شناخته شده بین المللی عبور کرده اند یا تمایل به عبور دارند. آنها در حقیقت به دلیل اختلالات زیست محیطی اعم از انسانی یا طبیعی که منجر به کاهش کیفیت زندگی و امنیت زیست محیطی آنها شده است برای دستیابی به شرایطی که دسترسی بیشتری را برای آن ها تضمین کند از سکونتگاه سنتی خود مهاجرت می نمایند (Kolmannskog, Odedra Vikram, 2018:5). این همه در حالی است که تاکنون مهمترین مصادیق پناهندگی را می توان در پناهندگی سیاسی و یا ناشی از مخاصمات مسلحانه یافت که در اسناد بین المللی راجع به پناهندگی هم به وضوح قابل مشاهده است. با مشاهده مشکلات زیست محیطی در اقصی نقاط دنیا پناهندگی زیست محیطی پدیده ای نو و جدید ارزیابی می گردد که می تواند در صورت عدم توجه و یا در نظر نگرفتن تمهیدات مناسب جهت مدیریت آن در آینده ای نه چندان دور جهان را با یک بحران بین المللی مواجه نماید. پدیده پناهندگی زیست محیطی از جهات گوناگون در فرایند توسعه اختلال ایجاد می کند؛ ایجاد فشار مضاعف بر ساختارهای شهری، جلوگیری از پیشرفت اقتصادی به علت تحمیل هزینه، افزایش تقابل فرهنگی و نامناسب بودن امکانات بهداشتی، فرهنگی و آموزشی که می توان در اختیار این پناهندگان قرار داد. مسئله پناهندگی زیست محیطی مانند سایر مسائل محیط زیستی، دارای ابعاد فرامرزی بوده و همبستگی جهانیان را می طلبد. پناهندگانی که مجبور می شوند سرزمین و خانه و کاشانه خود را ترک کرده و در آن سوی مرزها در پی زندگی و حقوق خود باشند. امروزه در رسانه های گوناگون درباره تغییرات آب و هوایی و پیامدهای گوناگون آن اخباری شنیده می شود. دانشمندان، سیاستمداران و حقوقدانان همگی از منظری به بررسی این پدیده و ابعاد آن می پردازند. در سطح بین المللی و به ویژه میان حقوقدانان توجه بیشتر معطوف به تاثیر احتمالی این پدیده و آثار آن بر حقوق بشر شد و در این زمینه حداقل در طول دو دهه گذشته تحقیقات گوناگونی در سطوح ملی و بین المللی صورت گرفته است. شایسته است که در این خصوص به زاویه دیگری از بحث، تحت عنوان پناهندگان زیست محیطی پرداخته شود. فایده عملی بحث در این است که با توجه به اینکه پناهندگی زیست محیطی پدیده ای رو به رشد در قرن 21 می باشد و هنوز تمهیداتی برای شناسایی و حمایت از آن ها صورت نگرفته، بررسی ابعاد این موضوع در رابطه با تاثیرپذیری و تاثیرگذاری هایش و تلاش هایی که تاکنون صورت گرفته ضرورتی انکارناپذیر دارد و زمینه روشن تری برای جلوگیری و کاهش این گونه آثار پیش رو قرار می دهد که این خود می تواند مبین ضرورت تحقیق و بررسی در این حوزه باشد تا بتواند گامی موثر در راستای حل این معضل فزاینده بین المللی بردارد. با این مقدمه حال این سؤال مطرح می شود که حقوق و تکالیف پناهندگان زیست محیطی چیست؟ در حقوق بین الملل جبران خسارات پناهندگان زیست محیطی به چه نحوی است؟ پژوهش حاضر از نوع تحقیقات نظری بنیادین و روش آن، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحلیل اسنادی است. رویکرد پژوهشی نیز



کیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. این پژوهش، مبتنی بر شواهد اخذ شده از مطالعه اسنادی بوده که غالباً شامل اطلاعات، یافته‌ها و نتایجی است که توسط نویسندگان و محققان قبلی در حوزه مورد بحث گرد آمده‌اند و سپس فیش-برداری، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده و در پایان پاسخ به سؤالات پژوهش و نتیجه-گیری می‌باشد.

## 2. مفهوم‌شناسی

همان‌گونه که معمول و متداول است، اولین مسئله‌ای که در مطالعه هر موضوعی مورد توجه قرار می‌گیرد، مفهوم و شناخت دقیق آن موضوع است. اهمیت تعریف از آنجا ناشی می‌شود که تعریف هر موضوع، وظیفه تعیین و تبیین چارچوب، قلمرو و مصادیق موضوع را به عهده دارد. بنابراین هر قدر تعریف دقیق‌تر، جامع‌تر و کامل‌تر باشد، درک و فهم موضوع نیز کامل‌تر و آسان‌تر صورت می‌پذیرد. ما نیز خود را از این قاعده مستثنی نمی‌دانیم. لذا قبل از هر چیز به بیان مفاهیم می‌پردازیم.

### 2-1. مفهوم پناهنده

کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگان، مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه پناهندگان است، چرا که تاکنون بهترین سندی است که تعریفی مفصل از پناهندگی ارائه نموده است (James, 2015:92). مانند هر سند دیگری در حقوق بین‌الملل، برای اجرای یک کنوانسیون یا معاهده بین‌المللی دولت‌های عضو اولین مفسر آن برای اجرا هستند، با این حال، با توجه به رویه دولت‌ها و آرای محاکم بین‌المللی و همچنین دکترین باید به تفسیر مفاد ماده اول کنوانسیون مربوط به حقوق پناهندگان پرداخته شود و عناصر بنیادین مفهوم پناهنده فهمیده شود. براساس بند ۲ (الف) ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگان، پناهنده به کسی اطلاق می‌گردد که «در نتیجه حوادث قبل از یکم ژانویه ۱۹۵۱ و به دلیل ترس موجه از تعقیب و آزار به علت ملیت، نژاد، مذهب، عضویت در گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی، در خارج از کشور متبوع یا محل اقامت خود به سر می‌برند و قادر یا مایل به بازگشت به آن نیست یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برند و نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد». بنابراین در قوانین داخلی و بین‌المللی، کسی به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته می‌شود که نیازمند حمایت در خارج از کشور متبوع یا محل سکونت در خصوص افراد فاقد تابعیت باشد و نتواند یا نخواهد از حمایت کشور مبدا خود برخوردار گردد. بدین ترتیب برای شخصی که به عنوان یک پناهنده محسوب می‌شود، چهار مولفه باید مشاهده شود (McAdam, 2012:44) که عبارت است از اول؛ ترس پناهنده باید موجه باشد، دوم؛ آزار و اذیت باید در عداد یکی از پنج زمینه تصریح شده باشد (نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی یا عقاید سیاسی)، سوم؛ دولت متبوع باید قادر به حمایت از شهروند خود نباشد و چهارم؛ فرد پناهجو باید از مرزهای بین‌المللی شناخته شده عبور کرده باشد. پناهنده در موازین بین‌المللی به عنوان شخصی که از آزار و اذیت فرار کرده و در کشور خود تحت هیچ حمایتی نمی‌باشد، شناخته می‌شود. بنابراین پناهندگان به عنوان افرادی که نیاز واقعی به حمایت بین‌المللی دارند دیده می‌شوند و داری یک وضعیت حقوقی خاص همراه با حقوق و تکالیف صریح و واضحی می‌باشند (Kolmannskog, 2009: 25). کنوانسیون پناهندگان همچنین شامل حمایت خاصی برای پناهندگانی می‌باشد که وارد خاک یک دولت متعاهد شده‌اند و آن ممنوعیتی است که برای کشور میزبان در ماده ۳۳ بیان شده مبنی بر اینکه هیچ یک از دول متعاهد به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به پنج دلیل ذکر شده، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواستند کرد یا باز نخواستند گردانید. این ممنوعیت، معمولاً به عنوان اصل عدم اجبار به بازگرداندن یا منع بازگشت اجباری شناخته شده است و یکی از پایگاه‌های مهم و جدی مفهوم پناهندگی است. شایان توجه است که در این زمینه پیشرفت‌هایی وجود داشته است. کمیساریای عالی پناهندگان در سال ۱۹۹۳ چهار دلیل را برای پناهندگی نام برده است که شامل تنش‌های اقتصادی، جنگ‌های قبیله‌ای، بی‌ثباتی سیاسی و تخریب محیط‌زیست می‌باشد. این ادعا که تخریب محیط‌زیست دلیل اصلی جریان پناهندگی می‌باشد، سبب افزایش شمار نظریات درباره ارتباط بین تخریب محیط‌زیست و جابجایی مردم شده که یک گام مثبت به سوی حمایت حقوقی از پناهندگان زیست‌محیطی است.



(Lonergan, 1998:5). جالب توجه آنکه به رغم سیاست‌های انقباضی و محدودکننده کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین تعریف فراگیرتری از تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ ارائه داده‌اند. سران کشور آفریقایی در کنوانسیون منطقه‌ای اتحادیه آفریقا ۱۹۶۹۱ خود، در مورد برخی جنبه‌های خاص مسائل پناهندگان در آفریقا به منظور عینی‌تر نمودن بعضی از ملاحظات تعریف زیر را به تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ افزودن و دامنه تعریف پناهنده را توسعه دادند: «هر شخصی که به دلیل تجاوز خارجی، اشغال، تسلط بیگانگان یا هر واقعه‌ای که به طور جدی نظم عمومی تمام یا بخشی از کشور اصلی یا متبوع خود، وادار به ترک کشور اصلی برای یافتن پناهگاهی در کشور دیگری غیر از کشور اصلی یا متبوع خود گردد.» همچنین، بر اساس کنوانسیون سال ۱۹۶۹ اتحادیه آفریقا، کسی که ممکن است در خطر بازگشت به شرایط اختلال شدید در نظم عمومی باشد به جای ترس جدی تر از آزار و اذیت تحت حمایت قرار می‌گیرد (Junnilla, 1995:11). در سال ۱۹۸۴ یک گروه از نمایندگان دولتی، دانشگاهیان و وکلای برجسته و تراز اول از آمریکای لاتین در شهر کارتاژینای کلمبیا تشکیل جلسه دادند و آنچه را که اکنون اعلامیه کارتاژینا نامیده می‌شود تصویب نمودند که علاوه بر سایر مسائل، مواد عینی‌تری را نیز علاوه بر تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ دربر می‌گرفت و خواستار توسعه‌ای همانند کنوانسیون آفریقایی در مفهوم پناهنده شدند. این اعلامیه موارد زیر را نیز مشمول کنوانسیون ۱۹۵۱ دانست: «افرادی که زندگی، امنیت یا آزادی آنها با خشونت شایع و گسترده، تعرض خارجی، درگیری‌های داخلی، نقض گسترده حقوق بشر یا سایر مواردی که در نظم عمومی به طور جدی اختلال ایجاد می‌کنند مورد تهدید قرار گرفته است.» که این تعریف هم مشابه تعریفی است که در کنوانسیون اتحادیه آفریقا دیده می‌شود. هرچند که این بیانیه برای دولت‌ها لازم‌الاجرا نیست، کشورهای آمریکای لاتین نیز این تعریف را بعنوان موضوعی کاربردی بکار می‌برند و برخی دیگر این تعریف را در قوانین داخلی خود گنجانده‌اند. که البته این دو تعریف اخیر در قالب اقدامات منطقه‌ای برای حمایت از پناهندگان جای می‌گیرد. اساس هر دوی آنها تعریف پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان می‌باشد برای تحت‌پوشش قرار دادن مردمی که به دلیل اختلال شدید در نظم عمومی از کشورشان فرار کرده‌اند. احتمالاً، توصیف وضعیتی که نظم عمومی در آن به شدت مختل شده و از نظر بین‌المللی شناسایی شده است می‌تواند افرادی را که به خاطر مسائل محیط-زیستی از کشورشان فرار کرده‌اند را تحت‌پوشش قرار دهد. (Renaud, 2007:12). در اینجا، ما می‌توانیم شاهد یک توسعه در تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ برای پناهندگان باشیم. نیازی به ترس از آزار و اذیت به دلایل خاص نیست تا حمایت فراهم شود. با این وجود، این اسناد تنها نسبت به مردم ساکن در مناطق آفریقا و آمریکای لاتین اعمال می‌شود و به طور انحصاری به مسائل زیست‌محیطی نمی‌پردازد. این حق در اسناد مصوب در نظام منطقه‌ای حقوق بشر نظیر ماده ۱۸ منشور اروپایی حقوق و آزادی‌های اساسی در سال ۲۰۰۰، «حق پناهندگی» و لزوم تضمین آن در راستای قواعد مقرر در کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ مورد تأیید قرار داده شده است. همچنین حق مزبور در ماده ۱۲ اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام ۱۹۹۰ نیز مورد تصریح قرار گرفته و مقرر شده است: «هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن، می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود».

### 3. جابجایی جمعیت و پناهندگی زیست محیطی

همان‌طور که کمیته نوبل در سال ۲۰۰۷ اعلام داشت تغییر شرایط آب و هوایی قادر است که موجب به خطر انداختن حیات بشریت گردد و مهاجرت‌های گسترده‌ای را در آینده نزدیک رقم زند. گزارشات نشان می‌دهند که فقط در سال ۲۰۰۸ در نتیجه بلایای طبیعی بیش از ۲۰ میلیون نفر به تعداد آوارگان و پناهندگان جهان افزوده شده است (سرفراز، ۱۳۹۴: ۹۶). مسئله پناهندگی زیست‌محیطی از اولین گزارش نهاد بین‌الدولی تغییرات اقلیمی است که تاکنون مورد توجه قرار داشته است. به-نحوی که گزارش اول این نهاد در سال ۱۹۹۰ بزرگترین پیامد تغییرات اقلیمی را مهاجرت عنوان نموده است و نیز اشعار می-دارد که در اثر تغییرات آب و هوایی، میلیون‌ها نفر از انسان‌ها، بی‌خانمان شده و مجبور به جابجایی خواهند شد. هر کدام از عوامل مارالذکر و نیز تنازع جهت تسلط بر منابع، می‌تواند اسباب درگیری و تعارض میان پناهندگان و بومی آن جوامع پناهنده‌پذیر را رقم بزند. براساس پیش‌بینی‌های رئیس کارگروه تأثیرات ساحلی نهاد بین‌الدولی تغییرات آب و هوایی زندگی و





معیشت ۳۰۰ میلیون انسان در پی بالا آمدن یک متری آب دریاها، مستقیماً تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. هر چند این اثرات با توجه به مولفه‌های محلی و منطقه‌ای در مناطق جغرافیایی مختلف جهان، متغیر است و بنابر عملکردهای بشری شدت و ضعف دارند. گزارش نهاد بین‌الدولی تغییرات آب و هوایی، کشورهای جزیره‌ای کوچک و کم‌ارتفاع را با توجه به موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان، از آسیب‌پذیرترین نقاط دنیا در مواجهه با این اثرات یاد نموده است. نهاد بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، نسبت به اثرات تغییرات اقلیمی به‌موازات مولفه‌های اقتصادی در ایجاد شرایطی که قابلیت اسکان پایدار در این مناطق را سلب نماید، هشدار داده است. همین‌طور این که، با به زیر آب رفتن جزایر و زیرساخت‌های سواحل، قابلیت تاب‌آوری و سازگاری با این تحولات محدود گردیده و مهاجرت را به عنوان تنها انتخاب سکنه این کشورها مطرح خواهد کرد (Contribution of Working Group II.2007: 733). طبق نظر پژوهشگران، بالا آمدن سطح آب دریاها به پناهندگی ده درصد انسان‌ها خواهد انجامید (Maxine.2011:2). ملاحظه می‌شود که چگونه افزایش سطح آب دریاها به‌عنوان شدیدترین پیامد تهدیدآمیز تغییرات اقلیمی بر انسانها به پدیده پناهندگی زیست‌محیطی دامن خواهد زد.

#### 4. امنیت زیست‌محیطی

یکی از مباحث اساسی در حقوق بین‌الملل، امنیت زیست‌محیطی است که طرح آن در دعاوی زیست‌محیطی، رو به افزایش است و باید به مثابه عامل بالقوه بازدارنده در چالش‌های زیست‌محیطی به‌شمار آید. چرا که حوادث زیست‌محیطی ممکن است مبنای تهدیدات واقعی امنیت بین‌المللی باشند. از این رو مفهوم امنیت زیست‌محیطی، مسائل حفاظتی محیط زیست را در کنار سایر ابعاد امنیت مانند امنیت نظامی، سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد. در ارتباط با مفهوم امنیت زیست‌محیطی که اصطلاح جدیدی است، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. منطق اساسی در امنیت زیست‌محیطی، بر این مبنا استوار است که نوع بشر به گونه‌ای زندگی می‌کنند که مخاطراتی را برای کره زمین دربر دارد. پروژه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، امنیت زیست محیطی را تحت‌عنوان قابلیت زیستن در محیط زیست برای حمایت از زندگی بشری مورد توجه قرار داده است و در واقع سندی است که برخی اهداف آرمانی را برای جامعه بشری مدنظر قرار داده است. در سند مذکور هشت هدف اصلی مدنظر قرار گرفته است که بندهای ۴ و ۵ و ۶ به ترتیب کاهش میزان مرگ و میر کودکان، بهبود بهداشت مادران و جلوگیری از گسترش بیماری ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها را بر شمرده است. در بند ۷ هم حصول اطمینان از پایداری زیست محیطی مورد اشاره قرار گرفته است. امنیت زیست محیطی حوزه نوینی از مطالعات امنیتی است که تضاد و کشمکش‌های ناشی از کمبود منابع طبیعی، فروسایبی و آلودگی محیطی، پیامدهای امنیتی آن بر پایداری زیست انسان‌ها زمینه تقویت ادبیات آن را فراهم کرده است (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۲: ۸). پس از جنگ سرد، محیط زیست به مثابه مرکز اصلی نگرانی‌ها و دغدغه‌ها و عامل محرکه کشمکش‌های سیاسی، مطرح شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۱) و پیامدهای جهانی فروسایبی محیط زیست در واکاوی مقوله امنیت، نمود برجسته‌ای پیدا کردند. لذا طرح مفهوم امنیت زیست محیطی در قالب امنیت انسانی و ملی در میان تابعان فعال حقوق بین‌الملل، بیانگر اهمیت بین‌المللی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت کشورها و شهروندان آنهاست. در این راستا باید به برخورداری یکسان تمامی انسانها در اقصی نقاط دنیا از امنیت زیست محیطی معتقد بود، زیرا مخاطرات زیست محیطی در گوشه‌ای از کره زمین، تهدیدی برای همه آن محسوب می‌شود. تحقق و حفاظت از امنیت زیست محیطی مستلزم اتخاذ تدابیر و تمهیدات حقوقی متعددی است. ممنوعیت تجاوز به محیط زیست در قالب انتقال مواد آلوده و خطرناک مثل پسماندهای هسته‌ای به دیگر کشورها و اجتناب از انتقال برون مرزی آثار مضر به وضعیت محیط زیست؛ بازرسی‌های ویژه جهت اطمینان از اجرای تعهدات زیست محیطی کشورها و ایجاد راهکارهای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی در این خصوص را می‌توان در این راستا مدنظر قرار داد. نهادینه کردن امنیت زیست محیطی، راهکار موثری در حقوق بین‌الملل محیط زیست به حساب می‌آید. در پرتو این امنیت، قواعد حقوقی الزام‌آوری در راستای جلوگیری از تخریب محیط زیست، تدوین خواهد شد و لاجرم از بروز پدیده‌ای همچون پناهندگی زیست محیطی پیشگیری به عمل خواهد آمد.

#### 4-1. امنیت زیست محیطی و پناهندگی زیست محیطی

نظریه پردازان جدید امنیت بر این اعتقادند که موضوعاتی همانند گرم شدن کره زمین، فرسایش لایه ازن و سایر مسائل زیست محیطی در زمره تهدیدات آینده بشریت محسوب شده و کشورها را با تهدیدات مشترک جدیدی روبه رو ساخته است. تعیین هرگونه روند امنیت ساز براساس نشانه های تهدید شکل می گیرد. اگر نیروها یا عناصر تهدیدکننده تغییر یابد، در آن شرایط روندهای جدیدی برای مقابله با تهدید ایجاد می شود. اولین نشانه تهدید امنیت زیست محیطی را می توان در محدودیت های استفاده از منابع دانست (لطفی، 1390: 124). محدودیت منابع منجر به درگیری می شود. بحران محیط زیست، برآیند تحولات مدرنیته، انقلاب صنعتی و تقویت و گسترش اندیشه های سوداگرایانه بوده، به گونه ای که طی این مدت، شیوه بهره برداری انسان از محیط متناسب با نگرش توسعه گرا، نیازهای فزاینده و ابزارهای پیشرفته از منابع محدود تغییر کرده که نتیجه آنها، آلودگی و آشفته گی تعادل محیط زیست بوده است. برآیند این کنش ها، دگرگونی های گسترده در اوضاع طبیعی زیست کره است که شاخص ترین آنها گرمایش کروی است در حال حاضر، در سطح جهان تغییراتی در ترکیب شیمیایی جو، تنوع ژنتیک گونه های ساکن در کره زمین، و چرخه مواد شیمیایی حیاتی در اقیانوس ها، جو، زیست کره در حال وقوع است که هم از نظر ابعاد و هم از نظر آهنگ، سابقه ای برای آن نمی توان یافت (کاوینی راد، 1390: 122). نشانه تهدید امنیتی را می توان در محدودیت استفاده از منابع دانست. از جمله منابع آب که اخیرا بحث امنیت آب سبب بروز اختلافات بین المللی شده است و نیز کمبود زمین که با بیابان زایی و یا بالا آمدن سطح آب دریاها، رو به وخامت است. زمانی که مصرف گرایی افزایش می یابد یا نظام سرمایه داری برای رسیدن به سود بیشتر در پی افزایش توان تولید و مصرف جامعه باشد، تهدیدات زیست محیطی سر بر می آورند. تهدیدات زیست محیطی در شکل مخاطرات محیطی انسانی و طبیعی، این توان را دارند که به هموردی و درگیری بر سر دسترسی منابع کمیاب بی انجامند یا زمینه تهدید زیست کره را فراهم کنند و آینده زیست و حیات را در مفهوم فراگیر خود به چالش بکشند. تهدید زیست محیطی امنیت انسانی همانند تهدیدات نظامی و اقتصادی به پایگاه مادی دولت لطمه می زند و شاید تا جایی پیش بروند که دولت و نهادهای آن را تهدید کنند. بنابراین، یکی از روش های واکنش نشان دادن به شرایطی که امنیت زیست محیطی رو به افول است، جابجایی و پناهندگی زیست محیطی انسان هایی است که زندگی و معیشت شان متأثر از تغییرات آب و هوایی و تخریب محیط زیست، نابود شده و یا در حال نابودی است (Barnett, 2005: 645).

#### 5. حقوق پناهندگان زیست محیطی در نظام بین المللی پناهندگی

گرچه در عرصه حقوق پناهندگان پاره ای از قواعد و هنجارهای عرفی بین المللی وجود دارند، اما منابع اصلی در این موضوع معاهدات هستند. البته در این میان از نقش حقوق نرم همچون قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل مثل «اعلامیه اجلاس مجمع عمومی در حمایت از مهاجران و پناهندگان و مسئولیت دولتها مصوب ۲۰۱۶» معروف به اعلامیه نیویورک و «اقدام جهانی ۲۰۱۸ برای مهاجرت ایمن، منظم و قانونمند» نباید غافل بود. افزایش بی سابقه میزان جا به جایی گروه های انسانی به خصوص جا به جایی های اجباری افراد و شوک افکار عمومی و وجدان بین المللی موجبات تصویب آنها را فراهم آورد که بیشتر تاکید کننده و موید مفاد اسناد بین المللی قبل از خود هستند. در این میان فراگیرترین و مختصرترین سند بین المللی در زمینه حقوق پناهندگان، کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان است که امروزه سند مادر حقوقی در عرصه حمایت از حقوق پناهندگان است. کنوانسیون ۱۹۵۱ با در نظر گرفتن اسناد پیشین، دایره حمایتی آنها را توسعه داده است. کنوانسیون ۱۹۵۱- چنان که در تعریف پناهنده بیان شد- توسط پروتکل ۱۹۶۷ کاربردی بین المللی یافته است؛ چه اینکه تعریف کنوانسیون از پناهنده تعریفی محدود و غیر قابل اعمال برای شرایط عام و بین الملل بود. در حقیقت پروتکل ۱۹۶۷ کنوانسیون را از حالت منطقه ای محدود به اروپا به سندی بین المللی تبدیل کرد. از همین رو، وضعیت پروتکل مزبور از سایر پروتکل های اختیاری نظیر پروتکل های الحاقی به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل های ضمیمه به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر متفاوت است. امروزه تمام کشورهای عضو کنوانسیون ۱۹۵۱، عضو پروتکل ۱۹۶۷ نیز هستند. کنوانسیون ۱۹۵۱ که نسبت به سایر اسناد پناهندگی بیشترین تعداد عضو را دارد، حاوی سه گونه مقررات است:

- مقررات مربوط به تعریف پناهنده، یعنی اینکه پناهنده به چه کسی اطلاق می‌شود، یا اینکه چه کسی از شمول تعریف خارج است؛
  - مقررات مربوط به وضعیت حقوقی پناهنده در کشور پذیرنده، همچنین حقوق و تکالیف وی در کشور پذیرنده؛
  - مقرراتی که جنبه‌های اداری و دیپلماتیک کنوانسیون همچون الحاق را پیش‌بینی می‌کنند.
- به رغم جامعیت نسبی کنوانسیون، این سند، ساز و کار مخصوصی جهت رسیدگی به شکایات افراد را پیش‌بینی نکرده است. در ارتباط با مکانیسم‌های اجرایی، کنوانسیون در مقایسه با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که محصول همان سالهای تدوین کنوانسیون ۱۹۵۱ است، از ضعف نظام اجرای کنوانسیون رنج می‌برد، گرچه براساس ماده ۳۵ آن کشورها متعهد شده‌اند که زمینه نظارت کمیساریای عالی پناهندگان را در حد اجرای وظایف نظارتی فراهم کنند. ارجاع به کمیساریای عالی پناهندگان نشان از نقش مهم این سازمان در زمینه حقوق پناهندگان دارد و لذا نباید از اسناد مرتبط با این سازمان در عرصه منابع بین‌الملل حقوق پناهندگان غافل بود. افزون بر اسناد بین‌الملل فوق، اسناد منطقه‌ای مربوط به حقوق پناهندگان نیز از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار هستند. در این زمینه دو سند قابل توجه آفریقایی و آمریکایی لاتین به دلیل توسعه و ارایه مفهوم گسترده‌ای از پناهنده قابل توجه اند. کنوانسیون ۱۹۶۹ حاکم بر جلوه‌های خاصی از مشکلات پناهندگان در آفریقا، که در سال ۱۹۶۹ به تصویب سران عضو سازمان وحدت آفریقا رسید و همچنین اعلامیه ۱۹۸۴ گارتاجینا که به تصویب برخی کشورهای آمریکایی لاتین رسید، در این زمینه رویکردی فردگرایانه ارایه داده اند.

## 6. حقوق پناهندگان زیست محیطی در اسناد حقوق بشری

افزون بر این اسنادی که مستقیماً مرتبط با پناهندگان هستند، اسناد عمومی حقوق بشر همچون اعلامیه حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، نیز در زمینه حقوق پناهندگان باید مورد توجه قرار گیرند؛ چه اینکه این اسناد چتر حمایتی عامی را گسترده اند که شامل همه انسان ها و از جمله پناهندگان زیست محیطی است. در حقیقت اولین عبارت کنوانسیون ۱۹۵۱ با ارجاع صریح به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمینه اصل عدم تبعیض و بهره مندی افراد از آزادی‌های اساسی، پیوند کنوانسیون ۱۹۵۱ با اسناد عمومی حقوق بشر را به خوبی نشان داده است. افزون بر اسناد عام، سایر اسناد خاص حقوق بشری، مانند کنوانسیون رفع تبعیض از زنان و کنوانسیون منع شکنجه نیز به نوبه خود می‌توانند به گونه ای در زمینه حقوق پناهندگان مورد استناد قرار گرفته و در نتیجه آنها نیز از منابع حقوق بشر پناهندگان به شمار آیند. دولتها با پیوستن با معاهدات و اسناد حقوق بشری، تا حد زیادی از اقتدار خود به نفع اجرای مفاد آن می‌کاهند و در صورتی که از ایفای تعهداتشان شانه خالی کنند، از نظر بین‌المللی مسئول می‌گردند. در حقیقت، از روزی که رعایت حقوق بشر به عنوان یک تعهد بین‌المللی مطرح شده است، نقض آن منجر به عملی نامشروع می‌شود و به تبع خود امکانی را برای دولتها و سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌کند که از طریق مورد قبول حقوق بین‌الملل، عکس‌العمل نشان دهنده نقض شدید، گسترده، سازمان‌یافته و بیش از پیش از پیش حقوق بشر سبب خشم و انزجار به حق و وسیع افکار عمومی شده و بسیاری از دولتها و سازمان‌های بین‌المللی را مصمم کرده است که برای تضمین رعایت حقوق بشر به تدابیر مختلفی متوسل شوند(امپارسون، 1379: 263-260). بحث از مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر، مساله‌ای است بسیار مهم که می‌باید در مجال دیگری مورد مذاقه قرار بگیرد. آنچه در این مبحث بدان پرداخته خواهد شد، اشاره به منابعی است که به الزام و تعهد دولتها در رعایت حقوق بشر در قبال پناهندگان زیست‌محیطی می‌پردازد و از خلال معاهدات، کنوانسیون‌های بین‌المللی و اسناد حقوق بشری، مستفاد می‌گردد. در زمینه رعایت حقوق بشر این دسته از پناهندگان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱۴، ۱۹، ۱۳، ۱۵
- کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بیرحمانه، غیر انسانی یا موهن ، ماده ۳
- قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشوری و غیر نظامی، ماده ۴۴



- پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو مورخ ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ در ارتباط با حمایت از قربانیان مخاصمانه مسلحانه، ماده ۷۳
- کنوانسیون راجع به وضعیت افراد بی تابعیت، مواد ۳۱، ۲۶، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۷، ۱۶، ۴
- کنوانسیون کاهش بی تابعیتی و بی خانمان شدگی، مواد ۹، ۸، ۴، ۱
- کنوانسیون بین المللی جلوگیری از کشتار دسته جمعی بیرحمانه، ماده ۱
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۶
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فره نگی، مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳
- کنوانسیون بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی مواد، ۶، ۵، ۲
- کنوانسیون رفع کل یه اشکال تبعیضات علیه زنان، ماده ۹
- کنوانسیون حقوق کودک مواد ۷ و ۲۲

به عنوان نمونه، قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشوری و غیر نظامیان در زمان جنگ، در ماده ۴۴ مقرر می دارد: «دولت بازداشت کننده در موقع اخذ تصمیمات نظامی، پناهندگانی را که عملا از حمایت هیچ دولتی بهره مند نیستند، صرفا به اعتبار این که از نظر حقوقی به دولت دشمن تعلق دارند، مشمول معامله با خارجیان قرار نخواهد داد». یا پروتکل الحاقی کنوانسیون ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از قربانیان در مخاصمانه مسلحانه بین المللی در ماده ۷۳ آورده است: «آن دسته از افرادی که پیش از آغاز جنگ به عنوان پناهنده و یا آواره تلقی شده اند، باید در تمامی شرایط و اوضاع و احوال و بدون هیچگونه تفکیک و تمایز مغایری، مورد حمایت قرار بگیرند». از سوی دیگر، دولت ها در عرصه بین المللی، تعهداتی را نیز در قبال پناهندگان بر دوش می گیرند؛ شماری از این تعهدات در کنفرانس بین المللی حقوق بشر ۱۹۳۳ در وین، احصا گردیده اند. این کنفرانس، به عنوان یکی از عوامل موثر در شکل گیری وجدان مشترک بشری و همبستگی بین المللی در حساسیت نسبت به رعایت حقوق بشر تلقی می گردد. در بخش اول پاراگراف ۲۳ از این اعلامیه آمده است: «کنفرانس جهانی حقوق بشر این قاعده را که هر کس بدون اعمال هیچگونه تبعیضی، به علت ترس موجه از تعقیب، محق در تقاضای پناهندگی و بهره مندی از آن در سایر کشورها می باشد، مورد تایید مجدد قرار می دهد. از سوی دیگر لزوم اتخاذ تدابیر لازم در حمایت موثر و کافی از پناهندگان را توسط جامعه بین المللی، مورد تاکید قرار می دهد». از سوی دیگر، دولت ها بر اساس مقررات این کنفرانس، در قبال بررسی فوری ریشه ای پناهندگی و احترام به آزادی های شخصی پناهندگان، تعهد می کنند. ذکر دو نکته در زمینه حقوق پناهندگان، ضروری به نظر میرسد؛ نخست آنکه، حقوق پناهندگان از نظر ضمانت اجرا، همانند حقوق بین الملل است. کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل آن، دست کشورها را در پذیرفتن یا عدم پذیرش هر یک از کنوانسیون و پروتکل و یا یکی از مواد آنها باز گذاشته است. ضمانت اجرا در حقوق بین الملل، فشار افکار عمومی و ذهنیت جهانی است که عینا درمورد حقوق پناهندگان نیز وجود دارد. امروزه عملا به خاطر این ضمانت اجرای معنوی، همه کشورها چه آنها که رسما به کنوانسیون و پروتکل آن پیوسته اند و چه آنهایی که نپیوسته اند، خود را ملزم به رعایت آن می دانند. دوم آنکه، در عصر حاضر، حقوق به سوی عمومی شدن پیش می رود و سایه حضور مراجع و سازمان های بین المللی در حوزه عملکرد دولت ها نیز سنگین تر شده است. الحاق به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان گرچه اختیاری است ولی بسیاری از مواد موجود در آن، در اسناد بین المللی هم چون اعلامیه جهانی حقوق بشر مندرج است و آنچه در اعلامیه مذکور و میثاقها و کنوانسیون های مشابه آن مورد حمایت قرار گرفته، چیزی نیست جز حمایت از حقوق بشر که دولت ها باید بدون نظر گرفتن خصوصیات چونی و ملیت و تابعیت، برای اشخاص به رسمیت بشناسند.

#### 1-6. بهره مندی پناهندگان زیست محیطی از حقوق بنیادین بشر

دولت های مورد درخواست پذیرش پناهندگان زیست محیطی مکلفند با اخذ مشاوره های تخصصی از سازمان های بین المللی فعال در زمینه پناهندگی فرآیند جذب این پناهندگان را تسریع کرده و با تسهیلاتی نظیر آموزش زبان محلی و ایجاد درآمد و شغل و بستر سازی فرهنگی از هیچ کمکی درمورد امداد رسانی به پناهندگان تغییرات آب و هوایی دریغ نورزند. همان طور که در مباحث قبلی مورد اشاره واقع شد، مواد ۳ تا ۲۴ کنوانسیون ۱۹۵۱ به بیان برخی از حقوق پناهنده در کشور میزبان می پردازد. قید «برخی» از آن جهت است که بعضی دیگر از حقوق پناهنده در این کنوانسیون نیامده است، اما اسناد عمومی حقوق بشر





همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین آن، حقوق بنیادین را برای تمامی انبای بشر به رسمیت شناخته اند. این حقوق و آزادی های بنیادین بالطبع شامل حال پناهندگان در کشور میزبان نیز می شوند، گرچه ممکن است برخی از آن ها مورد تصریح اسناد حمایتی پناهندگان همچون کنوانسیون ۱۹۵۱ قرار نگرفته باشد. زمانی که از «حقوق بشر پناهندگان» سخن گفته می شود، منظور اصلی همان حقوقی است که در برابر تمامی انباء بشر، صرفنظر از جنس، رنگ، نژاد، ملیت، مذهب و مرام سیاسی قابل اعمال است. این حقوق که همگی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی حقوق بشری، احصاء گردیده اند، حقوقی مطلق و از زندگی بشری، غیر قابل تفکیک هستند. پناهندگان زیست محیطی نیز، به عنوان مصداقی از مصداق انباء بشر، می توانند از این حقوق بهره گرفته و بدان استناد کنند. بدیهی است که موقعیت ویژه و خاص پناهندگان زیست محیطی که توأم با قواعد تحدید ملی در جوامع پذیرنده می باشد، از نظر اخلاقی نیز، بر الزام قطعی به رعایت این قواعد حقوق بشری، صحه می گذارد. از جمله این حقوق می توان به «حق زندگی و امنیت شخصی» (ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)، «منع بردگی و داد و ستد بردگان به هر نوع» (ماده ۲)، «حق برخورداری از رفتار موافق شیون بشری و منع شکنجه» (ماده ۳)، «حق داشتن شخصیت حقوقی به عنوان یک انسان در مقابل قانون» (ماده ۶)، «حق بهره مندی از عدم تبعیض در حمایت قانون» (ماده ۷)، «حق مراجعه به محاکم ملی صالحه برای احقاق حق» (ماده ۸)، «حق استقلال در زندگی خصوصی و امور خانوادگی در مقابل مداخله های خودسرانه» (ماده ۱۲)، «حق تشکیل خانواده» (ماده ۱۵)، «حق مالکیت» (ماده ۱۷)، «حق داشتن مذهب و تغییر آن و انجام مراسم آن» (ماده ۱۸)، «حق آزادی و عقیده بیان» (ماده ۱۹)، «حق انتخاب حرفه و شغل» (ماده ۲۲)، «حق بهره مندی از امنیت اجتماعی» (ماده ۲۳)، «حق تامین اجتماعی و رفاهی» (ماده ۲۴ و ۲۵) و «حق بهره مندی از آموزش و پرورش و شرکت در فعالیت های فرهنگی و هنری» (ماده ۲۶ و ۲۷) اشاره نمود (آل کجاف، ۱۳۹۱: ۲۱۸-۲۱۷). حقوقی که بدانها اشاره شد، اکثرا در مواد قانونی کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضع پناهندگان، انعکاس یافته اند. برای مثال ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۱ با عنوان «دین» مقرر داشته است: «دول متعاقد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود، لاقل همان رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند، اتخاذ نمود» و یا در بند (۱) از ماده ۱۶ با «عنوان حق مراجعه به دادگاهها» آمده است: «هر پناهنده می تواند در سرزمین دول متعاقد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه نماید» بدیهی است در میان حقوق بشر برشمرده شده، حق دسترسی به آب و غذای سالم؛ مراقبت های بهداشتی و سلامت و حق بر اسکان از اولویت بیشتری برخوردارند که هر سه در نسل دوم حقوق بشر قرار گرفته و مبتنی بر آزادی مثبت و مداخله و ابتکار عمل دولتها هستند تا در حق پناهندگان زیست محیطی مراعات شوند.

## ۷. اعمال حقوق مسئولیت بین المللی بر نظام تغییرات اقلیمی

مسئولیت بین المللی دولتها، از مباحث جدی حقوق بین الملل است که به احراز ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی توسط دولت ها و آثار چنین عملی می پردازد. به موجب قواعد آن، در صورتی که رفتار به دولت قابل انتساب باشد و نقض تعهدات بین المللی آن دولت محسوب شود، مسئولیت بین المللی دولت مربوطه مطرح می گردد. با توجه به این که نتیجه طبیعی احراز ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی، جبران خسارت است، نظام حقوقی مسئولیت بین المللی دولت، مسئله جبران خسارت را نیز مطرح می کند. بر طبق ماده ۵۵ طرح پیش نویس مسئولیت دولتها، مقررات مندرج در این سند عام تنها زمانی در خصوص نقض قواعد حقوقی قابلیت اعمال می یابد که نظام مربوطه در زمینه مسئولیت دولتی قوانین خاصی برای خود نداشته باشد. چون در صورت وجود قوانین خاص، روابط میان طرفین بر طبق آن قوانین خاص تنظیم خواهد شد. این که نظام حقوقی تغییرات اقلیمی، قواعد خاصی درباره مسئولیت دولت دارد که از اجرای قواعد عام مسئولیت ممانعت به عمل آورد، مستلزم بررسی معاهدات بین المللی در نظام تغییرات اقلیمی است. این نظام، شامل کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و توافق پاریس است که همگی به دنبال رسیدن به ثبات در میزان انتشار گازهای گلخانه ای هستند. کنوانسیون ساختاری، مقرراتی در خصوص کنترل تغییرات اقلیمی دارد، اما حاوی موازینی درباره نحوه جبران خسارت نیست. از آنجایی که کنوانسیون شامل قواعد خاص در زمینه مسئولیت دولتی نیست، قواعد عام مسئولیت بین-

المللی در میان دولت‌های عضو قابلیت اجرا دارد. پروتکل کیوتو نیز با وجود اینکه ضمانت اجرایی برای عدم رعایت تعهدات دولت‌ها در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دارد، مکانیسم جبرانی برای خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی ایجاد نمی‌کند. «توافق پاریس نیز یک معاهده فرعی نسبت به کنوانسیون ساختاری قلمداد می‌شود که براساس اصول و ترتیبات ساختار حقوقی رژیم تغییرات اقلیمی موجود را برهم نمی‌زند بلکه برآن استوار است.» (Savaresi, 2017:3). به عبارت دیگر، توافق ۲۰۱۵ پاریس ضمن پذیرش موضوع، هدف و اصول کنوانسیون ساختاری، درصدد تقویت میزان کارآمدی کنوانسیون است. این توافق فاقد مقرره‌ای صریح و روشن در زمینه مسئولیت دولت و جبران خسارات مربوطه است و با وجود استناد به «مکانیسم بین-المللی ضرر و زیان» در ماده ۸، بنا به تصمیم متخذه در اجلاس دولت‌های عضو، قابلیت اعمال این مکانیسم در زمینه جبران خسارت وجود ندارد. لذا با وجود گستردگی تعهدات دولت‌ها در زمینه ضرر و زیان در ماده ۸ توافق پاریس، هیچ گونه مقرره صریح و مشخصی در خصوص مسئولیت دولت در این توافق وجود ندارد (Vanhal, 2016:15). بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که در نظام حقوقی تغییرات اقلیمی قواعد خاصی وجود ندارد که امکان اجرای موازین عام مسئولیت دولت را منتفی سازد. در چنین وضعیتی قواعد عرفی عام مسئولیت دولت مندرج در طرح پیش‌نویس مسئولیت دولتها، قابلیت اعمال دارد. قابلیت اعمال مفاد این سند در حوزه محیط زیست، در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیگوو- ناگیماروس تأیید شده است. البته بایستی عنوان داشت تا به امروز مسئولیت دولت در خصوص خسارات زیست‌محیطی از جمله، تغییرات اقلیمی یا مورد استناد قرار نگرفته است یا در صورت استناد نیز منجر به پرداخت خسارت نشده است دلایل عمده این امر، وجود چالش‌های سیاسی از یک‌سو و ابهامات حقوقی از سوی دیگر بوده است. البته امتناع سابق دولتها در طرح دعوی جبران خسارت در قبال خسارات زیست‌محیطی، لزوماً به معنای اجتناب آن‌ها از طرح دعوی در آینده نخواهد بود. لذا به لحاظ حقوقی و فارغ از رویه موجود بین دولتها، قواعد عام مسئولیت دولت در زمینه نقض تعهدات بین‌المللی مندرج در معاهدات تغییرات اقلیمی توسط دولت‌های عضو قابل اعمال است.

## 8. جبران خسارت پناهندگان زیست‌محیطی

اثبات مسئولیت بین‌المللی آثار متعددی دارد. در نقض‌های مستمر، نخست موضوع توقف عمل متخلفانه بین‌المللی مطرح می‌شود. تعهد به توقف نقض، مستلزم تعهد به ارائه تضمین مناسب برای عدم تکرار رفتار متخلفانه نیز می‌شود. ایفاء این تعهد در خصوص پدیده تغییرات اقلیمی مهم است؛ چراکه اصولاً یک سری رفتارهای مستمر به صورت فعل یا ترک فعل منجر به بروز این پدیده می‌شوند. به هر حال دولت برای ایفاء تعهد خود مبنی بر توقف عمل متخلفانه بین‌المللی ممکن است نیاز به تغییرات قابل توجهی در قوانین و ساختار حقوقی خود داشته باشد. برای مثال دولت ممکن است در این راستا نیاز به اتخاذ قوانینی برای حذف یارانه سوخت‌های فسیلی، کنارگذاری گام به گام سوخت‌های فسیلی و انطباق کلیه قوانین خود با مقررات بین‌المللی ناظر بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای داشته باشد. علاوه بر تعهد به توقف نقض، بحث جبران خسارت نیز مطرح است. در واقع جبران خسارت، نتیجه بدهی مسئولیت بین‌المللی است.

### 8-1. حق برخورداری از جبران خسارت

در مقررات حقوق بشری و حقوق محیط زیست حق برخورداری از جبران خسارت مورد اشاره واقع شده‌اند. میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و نیز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در صورت بروز تخطی از حقوق و آزادی‌هایی مورد اشاره، مکانیسم جبران خسارت خاص خود را تعبیه کرده‌اند. در این بین، اسناد بین‌المللی حقوق محیط زیست هم ضرورت جبران خسارت را مورد اشاره قرار می‌دهند. اصل ۱۰ اعلامیه ریو اعلام می‌کند که: «دسترسی عملی به رسیدگی قضایی و اداری، شامل تظلم‌خواهی و جبران خسارت امکان‌پذیر خواهد بود». هم چنین دستور کار ۲۱، دولتها و مجالس مقنن را برای ایجاد رویه‌های قضایی و اداری جهت رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال مخرب محیط‌زیست که در اثر عملکرد غیرقانونی یا تجاوز به حقوق قانونی باشد، مکلف می‌کند و از این طریق قابلیت دسترسی اشخاص حقیقی و حقوقی را برای منافع قانونی‌شان فراهم

می‌آورد. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز در بند ۲ ماده ۲۳۵ عنوان می‌کند دولتها باید تضمین نمایند که جبران خسارت یا سایر راههای جبرانی به جهت صدمات ناشی از آلودگی محیط‌زیست دریایی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی، تحت صلاحیت قضایی آنها باشد. با این توصیف، این حق پناهندگان زیست‌محیطی است که برای خسارت و زیانهای متحمل شده و جابجایی اجباری ناشی از اعمال منجر به تخریب محیط زیست و تغییرات آب و هوایی، دادخواهی نمایند. لازم به ذکر است که حق دسترسی به جبران خسارت، محدود به اتباع و شهروندان یک دولت نیست. این امر برای اولین بار در یک سند غیر الزام‌آور در ۱۱ مه ۱۹۷۶ به‌وسیله توصیه‌نامه «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»، مطرح شد. سند فوق مقرر می‌دارد که اگر فعالیتهای یک دولت موجب تهدید محیط زیست دولت دیگر شود، ساکنان آن مناطق چگونه می‌توانند با مراجعه به محاکم یا نهادهای اجرایی دولت آسیب‌رسان مثل شرائط شهروندان آن کشور طرح ادعا نمایند. همچنین این اصل، صرفاً برای اتباع دولتی که از آلودگی متضرر شده‌اند نیست، بلکه برای همه کسانی است که در قلمرو سرزمینی آن سکونت دارند ولو آنکه تابعیت کشور دیگری را داشته باشند. این حق دارای چهار خصیصه آگاهی و اطلاع اتباع بیگانه؛ اجازه مشارکت در اتخاذ رویه‌ها؛ امکان قبول دادخواست و تجدیدنظر خواهی در دادگاهها و فراهم کردن وسائل جبران خسارت در یک دعوی می‌باشد. بند ۶ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۹۱ ایسپو درباره ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی در زمینه آثار برون مرزی، اصل مذکور را تأیید می‌کند که بر-اساس آن، در زمانهایی که انجام فعالیتی در محدوده تحت صلاحیت یک دولت با حادثه‌ای مواجه گردد، باید فرصتی را برای عموم مردم در آن منطقه فراهم کند و پذیرای دادخواهی افرادی باشد که از آن حادثه متاثر گردیده‌اند و این فرصت را برای تمامی افرادی که تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند به عنوان حقی برابر با حق اتباع خود فراهم سازد. همچنین بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۹۲ هلسینکی راجع به آثار برون مرزی حوادث صنعتی، قواعد کلی را در این باره مقرر می‌دارد. این کنوانسیون دولتهای عضو را مکلف می‌کند که مطابق نظام حقوقی خود و برحسب شرائط ممکن براساس رفتار متقابل، برای اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر دولتهای عضو، که یک رخداد صنعتی در قلمرو آنها حادث شده و از آثار منفی برون مرزی آن متاثر شده‌اند، حق مراجعه به مراجع اجرایی و دادگاه‌های صالحه خود را قائل گردند، این حق شامل امکان طرح دعوی حقوقی و تجدیدنظر خواهی از مراجع فوق مانند اتباع خود است.

## 2-8. تحلیل حقوقی جبران خسارت

در خصوص جبران خسارت و میزان آن لازم است که ابتدائاً ارتباط سببیت بین رفتار مختلفانه دولت و میزان خسارتهای وارده در اثر رفتار آن دولت ایجاد شود. البته قبل از طرح موضوع سببیت در زمینه خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی، لازم به ذکر است که تفکیک عوامل انسانی ایجاد کننده تغییرات آب و هوایی از عوامل طبیعی ایجاد کننده آن سخت است صرفاً انتشار دی‌اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه‌ای مصنوعی (غیرطبیعی) نیست که سبب تغییرات آب و هوایی می‌شود؛ بلکه جنگل-زدایی، استفاده از کودهای شیمیایی حاوی نیتروژن، استفاده از فلوراید در محصولات بهداشتی و... نیز از عوامل تغییرات آب و هوایی هستند. به فرض اینکه خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی غیرطبیعی از خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی طبیعی قابل تفکیک باشد، در زمینه خسارات دسته اول، بایستی بین سببیت عام و سببیت خاص تمایز قائل شد (Voigt, 2008: 15). در چارچوب تغییرات اقلیمی، سببیت عام ناظر بر ارتباط کلی میان انتشارات گازهای گلخانه‌ای انسانی و خسارت آب و هوایی است. تحقیقات علمی حاکی از وجود سببیت عام بین این دو مولفه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد گازهای گلخانه‌ای منتشره در اتمسفر، میزان نور تابشی در فضا را تغییر داده و نهایتاً منجر به بروز گرمایش جهانی و تغییرات آب و هوایی می‌شود. رابطه سببیت عام میان انتشار گازهای گلخانه‌ای و خسارات ناشی از تغییرات آب و هوایی احتمالاً در آینده نزدیک منجر به شکل‌گیری رویه قضایی خواهد شد (عتابی، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۴۹). چالش اساسی در زمینه خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی، احراز رابطه سببیت خاص است. سببیت خاص به رابطه موجود میان انتشار قابل انتساب به دولت خاص و میزان مشخصی از تغییرات آب و هوایی اشاره دارد. به‌نظر می‌رسد با توجه به تأثیر آلاینده‌های متعدد، اثبات رابطه سببیت خاص بالاخص زمانی که به‌طور همزمان اثرگذار باشند مشکل است. به‌علاوه از آنجایی که میزان خسارت دقیقاً قابل تعیین نیست احتمالاً سببیت خاص نتواند در مورد آلودگی هوایی بلندمدت ثابت شود (Voigt, 2008: 15). به‌خاطر همین دلایل شاید عملاً مسئولیت دولت در قبال



تغییرات آب و هوایی نتواند به طور موفقیت آمیزی مورد استناد واقع شود؛ چرا که اگر برای طرح موفقیت آمیز مسئولیت دولت، اثبات رابطه سببیت خاص لازم است؛ به عبارت دیگر، مشکل اثبات رابطه سببیت خاص، مانع اصلی در استناد به مسئولیت دولت است؛ بنابراین برای اینکه نظام مسئولیت بین المللی دولت بتواند در زمینه تغییرات آب و هوایی کارآمد نشان دهد، نیاز است تحقیقات بیشتری در خصوص رابطه سببیت خاص انجام گیرد (عتابی، 1389: 153-149).

در این راستا استدلال می شود که به هر حال قطعیت نسبی در خصوص سهم دولت ها در خصوص انتشار گازهای گلخانه ای وجود دارد و هر کشور علی الاصول بایستی به اندازه میزان انتشارات خود مسئول باشد. لذا محاکم بایستی همچون موارد اثبات دقیق و قطعی، براساس اسناد و مدارک استنباطی و حداقلی نیز قادر به صدور حکم به جبران خسارت باشند. با ارائه این استدلال، سه راه حل برای مسئله جبران خسارت ارائه نموده اند. اول؛ تخصیص خسارت به نسبت درصد مشارکت دولت در انتشار کل گازهای گلخانه ای با تولید ناخالص ملی. به هر صورت اگر به دلیل مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت خاص از استناد به مسئولیت دولت دیگر صرف نظر شود، در آن صورت هدف قواعد اولیه نظام حقوقی تغییرات اقلیمی تضعیف خواهد شد. دو اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و اصل احتیاط می توانند تا حدودی دشواری مسئله اثبات سببیت خاص را کاهش دهند. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، حل مشکل تغییرات اقلیمی را مسئولیت مشترک همه دولت ها می داند و تحقق این مسئولیت را برای تک تک دولت ها، موکول به اثبات رابطه سببیت خاص بین آن دولت و میزان مشخصی از تغییرات اقلیمی نمی کند. برطبق اصل احتیاط نیز تا زمانی که پیشرفتهای علمی لازم برای اثبات رابطه سببیت خاص حاصل نشده است، دولت ها بایستی بر طبق اصل احتیاط اقدام نمایند. برطبق این اصل، عدم قطعیت علمی نبایستی موجهی برای ادامه فعالیت های زیان بار دولت ها به محیط زیست باشد و آنها بایستی تلاشها و اقدامات مقتضی را برای حل مسئله تغییرات آب و هوایی صورت دهند. البته در اعمال اصل احتیاط نیز بایستی توان اقتصادی و فنی کشورها لحاظ شود (موسوی و آرش پور، 1394: 170). در خصوص جبران خسارت، علاوه بر احراز رابطه سببیت خاص، ابهامات دیگری نیز مطرح است. تعریف از خسارت در طرح پیش نویس مسئولیت دولتها، شامل خسارات مادی و معنوی است؛ بنابراین اصولا بایستی کلیه خسارات ناشی از تغییرات آب و هوایی مشمول تعریف خسارت باشد. تغییرات آب و هوایی نه تنها به اموال و بهداشت عمومی خسارت وارد می سازد، بلکه همچنین بر تنوع بیولوژیکی و ارزشهای محیط زیستی نیز تاثیرگذار است. با توجه به اینکه معمولا تعیین میزان خسارات وارده براساس معیارهای اقتصادی صورت می گیرد، بسیاری از خسارات زیست محیطی چون برآورد براساس این معیارها نیست، در تعیین میزان کلی خسارات احتساب نمی شود. در دست نبودن شیوه های دقیق ارزیابی خسارات و تعیین میزات غرامت قابل پرداخت، بالاخص در زمینه خسارات غیرمالی، از ویژگی های بازار خسارات زیست محیطی است. لذا چون در اکثر موارد خسارت وارده به محیط زیست قابل ارزیابی نیست، نتیجتاً میل به جبران خسارت کامل نیز غیرممکن است (Rebecca, 2005: 103). مسئله جبران خسارت با تاسی از مشکلات مطروحه، با ابهام و چالشهای زیادی در چارچوب معاهدات نظام حقوقی تغییرات آب و هوایی مطرح شده است. کنوانسیون ساختاری و پروتکل کیوتو تنها یکسری مقررات جزئی در خصوص مسئولیت تغییرات آب و هوایی مقرر می دارند (موسوی و پورهایمی، 1390: 92-75). کنوانسیون ساختاری مستقیماً موضوع خسارت را مطرح نمی سازد. در طول مذاکرات مربوط به تهیه کنوانسیون ساختاری، کشورهای صنعتی تاکید نموده اند که آنها مقرراتی را که به مسئولیت دولت و جبران خسارت اشاره کند نخواهند پذیرفت. این امر باعث شد چندین کشور امضاءکننده کنوانسیون، از جمله کشورهای جزیره ای کوچک و کم ارتفاع که در معرض غرق شدن هستند، اعلامیه ای در خصوص مسئولیت دولتها صادر کنند. این دولتها قصد درج مفاد این اعلامیه در متن نهایی را داشتند که نهایتاً چنین چیزی محقق نشد. پروتکل کیوتو نیز حاوی مقررات برجسته و مشخصی در خصوص جبران خسارت نیست (Tol, 2004: 1124). مسئله جبران خسارت یک مسئله محوری در مذاکرات پاریس بود. دولتهای در حال توسعه خواهان درج تعهد به جبران خسارت در متن نهایی توافق بودند در حالی که کشورهای توسعه یافته مخالف چنین امری بودند. پس از بحثهای زیاد، در توافق پاریس ملاحظات هر دو دسته در نظر گرفته شد. در حالی که ماده ۸ توافق به مکانیسم بین المللی ضرر و زیان ورشو به نفع کشورهای در حال توسعه اشاره دارد، در پارا گراف ۵۱ تصمیمات نشست ۲۱ دولتهای عضو مقرر شد که ماده ۸ توافق شامل





مبنایی بر طرح مسئله جبران خسارت و مسئولیت دولت نمی‌شود، بلکه بایستی به نحوی تفسیر شود که هیچگونه تعهد و مسئولیت قانونی از آن نشأت نگیرد. ماده ۸ توافق، بدون اشاره به مسئولیت دولت برای جبران خسارت ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای، صرفاً ۸ محور همکاری شامل سیستم‌های هشدار اولیه و زبان‌های غیراقتصادی را مطرح می‌سازد. مکانیسم ورشو حداقل تا به امروز مسئولیت و جبران خسارت ناشی از تغییرات آب و هوایی را از قلمرو شمول خود خارج دانسته است (Doelle, 2017: 11). رویکرد توافق پاریس به مسئله جبران خسارت، رویکرد محافظه‌کارانه است و هر دو دسته از دولتها برداشت خاصی از آن دارند. به باور دولتهای توسعه‌یافته خروج مباحث مسئولیت و جبران خسارت از متن توافق پاریس، طرح مسئولیت دولت برای جبران خسارت را در آینده مشکل خواهد ساخت. چرا که مفاد پاراگراف ۵۱ تصمیم نشست بیست و یکم دولت‌های عضو قطعاً بر هر نوع تفسیری از مفاد ماده ۸ توافق تأثیر خواهد داشت. ولی از دید کشورهای در حال توسعه علیرغم ماده ۸ شامل مقرر صریحی در جبران خسارت نمی‌شود، بنا به دو دلیل فی نفسه پیشرفت قلمداد می‌شود. اولاً؛ برای اولین بار بحث ضرر و زیان ناشی از تغییرات آب و هوایی در یک معاهده بین‌المللی گنجانده شد و دولتهای توسعه‌یافته آن را به رسمیت شناختند. ثانیاً؛ یک ماده مجزا و مستقل از «انطباق»، به ضرر و زیان اختصاص داده شد. کشورهای در حال توسعه بر این باورند که آنها در آینده خواهند توانست از مفاد این ماده برای درج صریح تعهد به جبران خسارت در معاهدات تغییرات آب و هوایی استفاده کنند (Bodansky, 2016: 30). این همه در حالی است که بر اساس، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیتهای خطرناک ۲۰۰۶، دولتها موظف به تضمین خسارات قربانیان در صورت ناکافی بودن منابع مالی بهره‌بردار غیردولتی هستند و اگر دولتها در اجرای این تعهد قصور ورزند، مسئولیت بین‌المللی آنها به طور مضاعفی قابل طرح خواهد بود (مشهدی و شاه حسینی، ۱۳۹۶: ۳۵۹).

### ۳-۸. کارآمدی راهکارهای جبران خسارت

به نظر می‌رسد نظام مسئولیت بین‌المللی دولت نمی‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در جلوگیری از بروز خسارت یا جبران خسارت مورد توسل قرار گیرد. ارزیابی خسارات زیست محیطی در پرتو خسارات مالی، جایگزینی پرداخت غرامت بر ترمیم و بازگرداندن وضعیت زیست محیطی به وضع پیش از بروز خسارت و در نهایت فرع قرار دادن مسئولیت دولت در جبران خسارت زیست محیطی در کنار مسئولیت اصلی عاملان خصوصی فعالیت منشا خسارت، مهم‌ترین موانع پیش‌روی جبران کامل خسارت زیست محیطی بر اساس قواعد حقوقی بین‌المللی موجود است (مشهدی و شاه حسینی، ۱۳۹۶: ۱۶۳). با وجود این، توجه به رشد روزافزون آگاهی و حساسیت جامعه بین‌المللی در خصوص حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و نیز توجه به نوظهور بودن مباحث مربوط به جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل، توسعه و تدوین نظام خاص جبران خسارت این حوزه از حقوق بین‌الملل را در آینده نزدیک، چندان دور از دسترس نمی‌سازد (مشهدی و شاه حسینی، ۱۳۹۶: ۳۶۰). نظام حقوقی خاصی که در عین انطباق با اصول کلی و عام بین‌المللی متناسب با ماهیت منحصر به فرد حقوق محیط‌زیست و موضوعات جدید آن مثل پناهندگان زیست محیطی باشد. به عبارت بهتر، راهکار مطلوب برای حل این ناکارآمدی، ایجاد نظام جبران خسارت خاص متناسب با ماهیت حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. به هر حال تا زمانی که چنین نظام خاصی شکل نگرفته است، دولتها و شهروندان آنها ممکن است به راهکارهای دیگری متوسل شوند. بنابر نظر برخی پژوهشگران می‌توان با تاسیس دادگاه ویژه مستقلی مطابق با الگوی قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت و مبتنی بر ماده ۳۱ مقررات کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد، برای جبران خسارت اقدام نمود (جلالیان، ۱۳۹۵: ۱۰). با تصویب طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیتهای خطرناک ۲۰۰۶، می‌توان مدعی شکل‌گیری قواعد جدید و موثر در خصوص جبران خسارات زیست محیطی شد. تصویب این طرح پیشرفتی عظیم در زمینه جبران خسارات فرامرزی و به خصوص جبران خسارات زیست محیطی محسوب می‌شود. رویکرد خصوصی‌سازی مسئولیت در جبران خسارت در این سند، بیشتر مورد اقبال کشورها قرار گرفته است. لیکن از آن جهت که امکان تحقق مسئولیت بخش غیردولتی علی‌القاعده بر عهده نظام‌های حقوقی داخلی است و این نظام‌ها نیز بنا به دلایل مختلف از اجرای این نظام مسئولیت اجتناب می‌کنند، عملاً مسئولیت بخش غیردولتی از واقعیت زیادی برخوردار نبوده و مقررات معاهدات بین‌المللی در این باره با موانع زیادی مواجه است. شایان توجه



است که نباید از مکانیسم‌های دادخواهی حقوق بشری بین‌المللی غفلت کرد. بدین ترتیب که با توجه به اثر زبان‌های زیست-محیطی بر دیگر ابعاد حقوق بشری انسانها مثل حق بر حیات و حق بر زندگی خانوادگی و حق بر دسترسی به اطلاعات از جمله اطلاع از مخاطرات زیست‌محیطی، مسئولیت دولتها را در عرصه نقض حقوق بشر هم مطرح نمود. کما این که کمیسیون‌های حقوق بشر منطقه‌ای اروپا، آمریکا و آفریقا اظهار کرده‌اند که آسیب وارده به محیط‌زیست به‌عنوان نقض حقوق بشر قابل رسیدگی است (وینفرید، 1392: 318).

#### 14. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با تغییر رویکرد نظام حقوق بین‌الملل در دهه‌های اخیر که با تحدید حاکمیت و ارتقاء دو ارزش حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی آشکار شده و تمام زمینه‌های حقوق بین‌الملل از جمله نظام پناهندگی تحت‌تاثیر قرار بگیرد. در حقوق بین‌الملل، حمایت‌های صریح و تلویحی متعددی از پناهندگان زیست‌محیطی به عمل آمده است. اما در مقام اجرای این تعهدات حمایتی، اراده حقوقی و سیاسی کشورهایی که این پناهندگان به سوی آنها حرکت می‌کنند، حائز اهمیت است. به‌نظر می‌رسد در مقوله حمایت از پناهندگان زیست‌محیطی اصل مبنایی که تمامی تلاش‌های جامعه بین‌المللی را قرین موفقیت خواهد کرد، اصل طلایی همکاری باشد. اصل اطلاع‌رسانی و کمک در حوادث زیست‌محیطی نیز تاثیر به‌سزایی در حمایت از این قشر از پناهندگان خواهد داشت. نظام حقوقی تغییرات آب و هوایی در راستای نیل به اهداف خود، می‌بایست در قبال نقض تعهدات مربوطه توسط دولتهای عضو، مسئولیت آنها را مطرح نموده و در صورت ایجاد خسارت، زمینه‌های جبران خسارت را فراهم سازد. قطعاً وجود نهاد مسئولیت بین‌المللی ضمن جلوگیری از نقض تعهدات بین‌المللی می‌تواند در صورت نقض، آثار حقوقی ناشی از نقض را قانونمند نماید. با توجه به اینکه رژیم تغییرات اقلیمی فاقد نظام مسئولیت خاص خود است، قواعد عام مسئولیت بین‌المللی دولت در این حوزه حاکم است. فارغ از مباحث مربوط به ایجاد مسئولیت، در بحث جبران خسارت، نیز ناکارآمدی مسئولیت بین‌المللی دولت قابل مشاهده است؛ چرا که عموماً در معاهدات تغییرات اقلیمی، به بحث جبران خسارت هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است و حتی در توافق پاریس که از واژه ضرر و زیان استفاده شده است به اصرار کشورهای توسعه-یافته، بحث مسئولیت دولت و جبران خسارت مستثنی شده است. این امر نشان می‌دهد نظام مسئولیت بین‌المللی دولت در ایفای کارکردهای خود در زمینه تغییرات اقلیمی، با ناکارآمدی نسبی مواجه است. با وجود چنین شرایطی یا می‌بایست با لحاظ ماهیت و شرایط منحصر به فرد مسئله محیط‌زیست، بالاخص پدیده تغییرات اقلیمی، نظام مسئولیت خاصی برای این حوزه ایجاد شود، یا بایستی ورای چارچوب حقوقی مسئولیت، از طریق دیگری موجبات اجرای مفاد معاهدات نظام تغییرات اقلیمی فراهم شود. در غیر این صورت جبران خسارت زیان‌دیدگان از پیامدهای زیست‌محیطی تغییرات اقلیمی از جمله پناهندگان زیست‌محیطی و نیز کشورهایی که میزبان سیل ورود این پناهندگان به سرزمین‌شان هستند با چالش‌ها و ابهامات جدی مواجه خواهد بود. در این میان، نظام حقوقی تغییرات اقلیمی به‌جای اتکال صرف به مسئولیت حقوقی مبنی بر ممنوعیت انتشار گازهای گلخانه‌ای، بایستی به مسئولیت اخلاقی دولتها مبنی بر کاهش مصرف انرژی نیز توجه کند. دولتهای در حال توسعه با مشاهده چنین وضعیتی، در کنار تعهدات حقوقی بر تعهدات اخلاقی دولتها در قالب پذیرش راهبری کشورهای در حال توسعه یافته، رعایت انصاف در مواجهه با کشورهای در حال توسعه و تلاش در جهت تحقق توسعه پایدار تاکید داشته‌اند. حتی بعد از انعقاد توافق پاریس ۲۰۱۵، دولتهای عضو این توافق در نشست یونسکو در سال ۲۰۱۷، با تهیه سند اصول اخلاقی مربوط به تغییرات اقلیمی، بر مسئولیت اخلاقی دولتها در این حوزه تاکید نمودند. درج این اصول در اعلامیه‌های غیرالزام‌آور حاکی از باور اکثریت دولتها به وجود و رعایت چنین اصولی در تشکیل جریانی برای مقابله با پدیده تغییرات اقلیمی است. پر واضح است که با وجود مشکلات و پیچیدگی‌های نظام شناسایی و حمایتی از پناهندگان زیست‌محیطی، نمی‌توان انتظار اتخاذ تدابیر و تمهیدات فوری و سهل‌الوصول را داشت. مقوله پناهندگی زیست‌محیطی هم در ریشه‌ها و عوامل و هم در پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم خود از پیچیدگی و خصیصه چندوجهی برخوردار است که به دور از منازعات و چالش‌های عمده سیاسی و اقتصادی جهان معاصر نمی‌توان به آن پرداخت. لذا باید یک آگاهی عمومی به نیاز به واکنشی جامع که از ریشه‌ها تا راه‌حل-های پناهندگی زیست‌محیطی، حقوق متقابل پناهندگان زیست‌محیطی و کشورهای مبدأ و پناهنده‌پذیر و کشورهای ثالث و

سازمان‌های بین‌المللی را دربر گیرد، تقویت شود. صرفاً با حضور تمامی طرف‌های ذی‌نفع و ارزیابی کلیه ابعاد این مسئله می‌توان یک نظام حقوقی منسجم و موثر برای مواجهه با پدیده پناهندگی زیست‌محیطی را، پایه‌ریزی کرد.

پیشنهادهایی که در این زمینه می‌توان ارائه نمود عبارتست از:

- با توجه به این که در تلاش‌های بین‌المللی در جهت مقابله با پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی و نیز تخریب محیط‌زیست، در قیاس با آثار و پیامدهای گسترده آن کافی نبوده و از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل استفاده نشده است، ایجاد قواعد حقوقی و هنجارهای جهانی در مواردی که دولت‌های خاطی از انجام تعهدات خود سر باز می‌زنند امری ضروری به‌نظر می‌رسد.
- از آنجا که حق بر سلامت و حق حیات براساس موازین حقوق بشری از مصادیق بنیادین آنها به‌شمار می‌روند، به نظر می‌رسد که مسئولیت مداخله در یک دولت صرفاً به قصد بشردوستانه آن هم در جایی که یک دولت نمی‌خواهد یا نمی‌تواند از افرادی که نیاز به حمایت دارند و نیاز به کمک دارند، محافظت نماید قابل توجیه باشد و حق پناهندگان زیست‌محیطی بر کمک‌های بشردوستانه و تکلیف دولتها به مشارکت نباید نادیده انگاشته شود. همچنین نباید از نقش با اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای در جهت عکس‌العمل‌های مناسب و فوری به مسئله پناهندگی زیست‌محیطی غفلت کرد.

## منابع

- آل‌کجباف، حسین، (۱۳۹۱)، «بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی(۱)»، تهران، انتشارات جنگل.
- سرفراز، فرشید، (۱۳۹۴)، «حقوق بشر مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل»، تهران، انتشارات مجد.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ مهکویی، حجت، (۱۳۹۲)، «تهدیدات زیست محیطی و امنیت ملی»، تهران، انتشارات آوای دانش گستر.
- جلالیان، عسکر، (۱۳۹۵)، «حقوق بین‌الملل محیط زیست»، تهران، انتشارات دادگستر.
- وینفرد، لانگ؛ آلکساندر، چارلز کیس؛ پیتر، سند، (۱۳۹۲)، «حقوق محیط زیست»، جلد اول، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، رامین، (۱۳۹۵)، «نگاهی به تاثیر و جایگاه تغییرات آب و هوایی در سیستم حقوق بین‌الملل بشر، بویژه مصادیق نسل سوم». دوفصلنامه حقوق محیط زیست، 1(1)، 56-69.
- لطفی، حیدر و دیگران، (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی و سیاستگذاری ملی»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۴.
- کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۹۰)، «نسبت ژئوپلیتیکی امنیت زیست محیطی و توسعه پایدار؛ مطالعه موردی دریاچه ارومیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۱.
- امپارسون خوزه جیل، (۱۳۷۹)، «مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۹-۳۰.
- عتابی، فریده و دیگران، (۱۳۸۹)، «بررسی تعهدات و مقررات کنوانسیون تغییرات آب و هوا و ارزیابی نحوه اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۲، شماره ۲.
- موسوی، سید فضل‌الله؛ آرش پور، علیرضا، (۱۳۹۴)، «جایگاه اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۲.
- مشهدی، علی؛ شاه حسینی، عطیه، (۱۳۹۵)، «جبران خسارت زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبتنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره ۵۵.
- Voigt, Christina, (2008), "State Responsibility for Climate Change Damages", Nordic Journal of International Law, Vol. 77 , Issue 1, PP. 1-22.
- McAdam, Jane, (2012), "Climate Change, Forced Migration, and International Law", New York, Oxford University Press, P. 44.
- Kolmannskog; Vikram Odedra, (2018), "Future Flood of Refugees: A comment on climate change, conflict and forced migration", Norwegian Refugee Council, P. 9.
- James C.Hathaway, (2015), "The Rights of Refugees Under International Law", New York, Cambridge University Press, P. 92.
- Lonergan, Steve, (1998), "The Role of Environmental Degradation in Population Displacement", Environmental Change and Security Project Report, Issue 4, P. 5.

- Junnilla, Jaana, (1995), "The Responsibility of States to Admit Refugees", In: Terje Einarsen and Astri Suhrke (eds.), Current International Refugee Law and Issues. University of Bergen. P.11.
- Renaud, Fabrice; J. Bogardi, Janos; Dun, Olivia and Warner, Koko, (2007), "Control, Adapt or Flee: How to Face Environmental Migration?" UNU Institute for Environment and Human Security (UNU-EHS).
- Barnett, Jon, (2005), "Security and Climate Change", Towards and Improved Understanding Human Security and Climate Change Workshop, P.645.
- Vanhala, Lisa and Cecilie Hestbaek, (2016), "Framing Climate Change Loss and Damage in UNFCCC Negotiations: The Struggle over Meaning and the Warsaw International Mechanism", Global Environmental Politics, Vol. 16, Issue 4,.
- Savaresi, Annalisa, ( 2017), "the Paris Agreement: Reflections on an International Law Odyssey", 12th Annual ESIL Conference, Paper Series, Vol. 8, No7.
- Rebecca Elizabeth Jacobs, (2005), "Treading Deep Waters: Substantive Law Issues in Tuvalu's Threat to Sue the United States in the International Court of Justice", University of Washington, School of Law, 2005-01, Pacific Rim Law & Policy Journal.
- Tol, Richard S.J and RodaVerheyen, (2004), " State responsibility and compensation for climate change damages: a legal and economic assessment", Energy Policy, Vol. 32, Issue 9.
- Doelle, Meinhard, (2017), "The Paris Climate Agreement – Assessment of Strengths and Weaknesses", in: Klein et al, The Paris Agreement on Climate Change: Analysis and Commentary, Oxford University Press.
- Bodansky, Daniel; Sandra Day, (2016), "The Paris Climate Change Agreement: A New Hope? ", American Journal of International Law, Vol. 110, Issue 2.



## "Compensation for environmental refugees in international law"

Mojtaba Farasati  
(Master of International Law)

### Abstract

One of the challenging issues in the field of modern international law is the emergence of a new type of asylum that, based on reasons such as environmental hazards and the consequences of climate change, forces people to continue living or provide better welfare components. He leaves the land. Population displacement is one of the most prominent signs of lack of security, which is both its cause and result, and is one of the most important human risks. The international refugee system today, due to the increasing speed of environmental destruction and climate change, requires serious intervention in the direction of prevention and support for the victims of environmental refugees. The purpose of this research, which was carried out with a descriptive method of documentary analysis, is to analyze the method of compensating environmental refugees in modern international law. The findings of the research indicate that despite the problems and complexities of the identification and support system for environmental refugees, we cannot expect immediate and easy-to-reach measures and arrangements. The category of environmental asylum is complex and multifaceted both in its roots and factors as well as in its direct and indirect consequences, which cannot be separated from the major political and economic conflicts and challenges of the contemporary world. that payment Therefore, there should be a public awareness of the need for a comprehensive response, from the roots to the solutions of environmental refugees, the mutual rights of environmental refugees and the countries of origin and receiving refugees, third countries and international organizations. to include, to strengthen Only with the presence of all interested parties and the evaluation of all aspects of this issue, a coherent and effective legal system can be established to deal with the phenomenon of environmental asylum.

**Keywords:** environmental refugees, climate change, reparations, human security, environmental rights